



عکس: امیر جدیدی شرق

تبلیغات مغایر انصاف علیه دولت

وابستگی سیاسی و حفظ استقلال مملکت و آزادی‌های موجود است. روحانی

می‌خواهد، می‌فهمد و سعی دارد چهره ماندگاری در تاریخ معاصر بیابد.

حاصل مذاکرات طولانی با هدایت چهره ملی «جواد ظریف» در رأس

سیاست خارجی کشورمان، اصولگرهای دورمانده از اصول را به طرح آثار

این توافق به‌عنوان اقدامی منفی در مناظره‌های انتخاباتی سوق خواهد داد.

در رابطه با تحریم‌های غیرهسته‌ای موجود، این جماعت به‌خوبی می‌دانند

که بحث خارجی‌ها به‌ین دولت و آن دولت ربطی ندارد. انتقاد اصلی از

تحریم‌های هسته‌ای بود که می‌شد نباشد؛ وگرنه تحریم‌های غیرهسته‌ای،

بجئی جاگانه دارد و ممکن است دیدگاه‌های مختلفی هم درباره آن وجود

داشته باشد. روحانی در این رابطه اشاره کرد: «چرا همه‌چیز را به ملت

نمی‌گویید. ادامه مشکلات موقوف به نکاتی است که دولت آنها را مطرح و

درصد تخفیف آلام در حد امکان بود. برخی گروه‌ها نمی‌گذارند امکان آن

فراهم شود» و همچنین گفت: «با این وضعیت و شرایط، ۱۰ تا دولت دیگر

مشکلات اقتصادی ادامه خواهد داشت». بی‌تردید اقتصاد ایران قبل از حصول

این توافق در دوره تحریم‌ها، بر لبه پرتگاه بود و در حوزه مبادلات بانکی و

ارزی، تجارت بین‌الملل، حمل‌ونقل جهانی، بیمه و حتی مرادوات عادی، دور

نگه داشته شده و امنیت ملی ایران نیز هر روز به نحوی در معرض تهدید

قرار داشت. برجام علاوه بر اینکه اقتصاد ایران را به وضعیت نسبی عادی

در مناسبات بین‌المللی بازگرداند، امنیت ملی را تأمین کرد و در این شرایط

با همه ناهماهنگی‌ها و تعدد مراکز تصمیم‌گیری، مهم‌ترین و اثرگذارترین

دست‌آورد دولت یازدهم که اهمیت استراتژیک دارد، عملی شد. برجام شامل

دست‌آوردی دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی و احیای این حوزه‌ها بوده و

اتهاماتی را که به به ایران نسبت داده می‌شد، تا حدودی خنثی کرد و در نهایت

چهره مثبتی از ایران در صحنه بین‌الملل به نمایش گذاشت. بعد از حصول

برجام بود که دامنه روابط ایران در ابعاد تجاری و سیاسی با بسیاری از کشورها

گسترش یافت و مراودات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی و پزشکی ایران

با کشورهای پیشرفته در این حوزه‌ها، از سر گرفته شد. در این مقوله برداختن

به ویژگی‌ها و توانمندی ریزانات سیاسی که هر یک در این دوره نماینده‌ای را

به مصاف با روحانی فرستاده‌اند، ضروری است.

بگذریم. روحانی توانست با برجام از این نظر که یک کشور وارد فصل هفت

منشور این سازمان شد و توانست بدون کمترین منازعه نظامی از آن خارج

شود، ایران را در تاریخ سازمان ملل ماندگار کند. تأمین امنیت ملی، تصحیح

وجهه جهانی ایران که تدرروهای درون کشور منکر آند – درواقع زمینه‌ساز

سیاست



عکس: امیر جدیدی شرق

بازار داغ «شعار» در انتخابات

به لحاظ اطلاعاتی و تحلیلی به‌روز

نگه داشته و همچنین نقدهای خود را

درباره موضوع‌های سیاسی، اقتصادی

و فرهنگی ارائه کرده و به‌طور مستمر

در تشکیلات خود و در سطح جامعه

(با بهره‌گیری از رسانه‌ها، برگزاری

نشست‌ها و...) وضعیت موجود

و برنامه‌های دولت را نقد کرده و

برنامه‌های موجود و قدرت مستقر را

زیر نظر می‌گیرند. حزب‌ها با کادرسازی

منظم و پیوسته، در کنار ارائه و تبیین

برنامه‌های خود، با بحث و گفت‌وگو

درباره مشکلات، ناکامی‌ها و کامیابی‌ها

در سطح مدیریت کلان کشور، نیروهای

خود را به لحاظ نظری تقویت کرده

و فضای بیشتری برای ایده‌پردازی

درباره موضوع‌های گوناگون و مسائل

پیش‌روی جامعه می‌شایند. حزب‌ها

همواره برآمده از طبقه‌های اجتماعی

مختلف و مخاطب اصلی آنها نیز

همان طبقه‌ها هستند و سپس به

صورت عام مردم را مخاطب قرار

می‌دهند. همچنین در این روند، آنچه

حزب‌ها را زنده و قوی نگه می‌دارد،

پویایی فضای رسانه‌ای (مطبوعات)

است، زیرا آزادی رسانه‌ای و کار دقیق

رسانه‌ای به گردش آزاد اطلاعات،

ارتباط حزب‌های سیاسی با متن

جامعه، نقد مسائل و مشکلات کشور

و... امکان بیشتری می‌دهد. برنامه‌های

در حال اجرا و اصلاحی نیز بی‌وقفه

نقد شده و شهروندان نیز در جریان آن

قرار می‌گیرند. نکته مهم در بررسی کار

حزبی، جریان‌ی است که در برنامه‌ریزی

و سیاست‌ورزی ایجاد می‌کنند، یعنی

هنگامی که مسائلی مانند بی‌کاری،

رکود، تورم و... وجود دارند و نقص‌ها

و نارسایی‌هایی در زمینه‌های مختلف

پدید می‌آیند، اگر حزب‌های قوی در

عرصه سیاسی فعال باشند، براساس

شعار وارد میدان انتخابات نمی‌شوند

بلکه براساس طرح و برنامه وارد

می‌شوند. کمتر کلی‌گویی کرده و

اشتهای سیاسی می‌خوانند و برای

رفع مشکلات، برنامه‌های کوتاه‌مدت

بلندمدت خود را ارائه کرده و براساس

آن نیز دآوری می‌شوند. برنامه‌ها و

افراد توانا و نجبه (سیاسی) از درون

حزب‌ها برآمده و کمتر اتفاق می‌افتد

که افراد، دوره کارآموزی خود را در

رده‌های بالای سیاسی و اجرایی کشور

طی کنند.

۳. ایران در پی برنامه جامع اقدام

مشترک (برجام) با دو فصل مواجه

است، یکی قبل از برجام و دیگری پس

از برجام و با پذیرفتن آن، وارد فصل

جدیدی شده که بازگشت به قبل، نه

سودمند است و نه عاقلانه. ایران در

وضعیت پس از برجام، با گسترش

همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در

زمینه‌های مختلف، گشودن فضای

مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی،

رونق صنعت گردشگری و... به تدریج

می‌تواند از وضعیت بهتری برخوردار

شود و این‌با امتداد جهت‌گیری

علاقانه‌ای که رخ داده، دور از دسترس

نیست. وگرنه پول هم از آسمان بر

سر ما ببارد، انزوایرکنی‌با پرهیز از

همکاری با جامعه جهانی هیچ سود

و دست‌آوردی برای ما نخواهد داشت.

آنچه به رونق اقتصادی (افزایش تولید

و اشتغال‌زایی) می‌انجامد، همکاری با

جامعه جهانی (به‌ویژه کشورهای

پیشرفته) و ترمیم روابط آسیب‌دیده

است تا مسیر برای توسعه هموار شود.

جریان‌ها و گروه‌های عریس که فقط

و فقط از شعار وارد صحنه انتخابات

می‌شوند، با عتش قدرت دارند یا

اینکه از دانایی سیاسی برخوردار

نیستند. هنگامی که کار سیاسی تعریف

و ضرورت فعالیت حزب‌های قوی

برای تقویت مردم‌سالاری تبیین نشود،

چنان‌که در این سال‌ها به از حد‌های

انتخاباتی بارها دیده‌ایم، کوشش

شده با حرکت‌های جبهه‌ای (تشکیل

برنامه‌ها) را انتظار داشته باشیم. انتظار

غلطی است. یکی دیگر از خردادهای

تلخ نیز واردشدن چهره‌های ورزشی

یا هنری در عرصه سیاست است

واردشدن افراد غیرمتخصص قبل از

هر چیزی یعنی تهی‌شدن معنای کار

در آن زمینه‌ها!

پژواک

سؤالاتی از رئیس‌جمهور آینده



مصطفی ملکوتی پژوهشگر

اگر نیازهای مادی انسان تأمین نشود، حیات او به خطر

می‌افتد؛ نیاز به غذا، سرپناه و بهداشت نیازهای بشر اولیه

بوده‌اند. در جامعه مدرن برای تأمین این نیازها به پول و در

نهایت به شغل نیاز داریم؛ پس اشتغال یک نیاز اولیه در جامعه

امروزی است. در ایران که سیستم‌های تأمین اجتماعی کارآمدی

وجود ندارد، موضوع تأمین معاش اهمیت بیشتری دارد. کمترین

انتظار از حکومت‌ها، این است که زمینه تأمین معاش شهروندان

را فراهم آورند.

هرچند نیازهای فرهنگی و اجتماعی انسان به مراتب اهمیت

بیشتری در مقایسه با نیازهای مادی او دارد، نیازهایی که میان

جانداران، اختصاص به انسان دارد و رشد معنوی و کمال آدمی

وابسته به آنهاست؛ اما اکنون مسئله نیازهای اولیه مردم، مشکل

و واقعیت تلخی به نام فقر و بی‌کاری است.

متأسفانه پس از ۴۰ سال، ایرانیان تنها مردمی در جهان

هستند که درآمد سرانه آنها کاهش یافته است و بنا به گفته

اقتصاددانانی مانند مسعود نیلی و سعید لیلزاد، درآمد سرانه

مردم ایران در سال ۹۱ نسبت به درآمد سرانه در سال ۱۳۵۵،

حدود ۴۲ درصد کاهش یافته است. به عبارت دیگر، دولت‌ها

در این مدت در مبارزه با فقر ناکام بوده‌اند. باید دید ریشه این

ناتوانی در چیست؟

امروز نیز شعار «اشتغال» سر می‌دهیم؛ اما سرنا را از سر دیگر

آن می‌نوازیم. آیا راه اشتغال این است که دولت شهروندان را

به استخدام درآورد و این‌گونه اشتغال ایجاد کند؟ وقتی کمتری

مانند زاین با بیش از ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت، تنها ۳۰۰ هزار

کارمند استخدامی دارد و دولت ایران بیش از هشت میلیون

حقوق‌بگیر دارد، آیا این مسیر درستی است که بیش از ۸۰ درصد

بودجه دستگاه‌های اجرایی صرف حقوق و دستمزد شود؟

به راستی برای «اشتغال» مردم که بسیاری از آنان جوانان

تحصیل‌کرده هستند، چه باید کرد؟

برای ایجاد اشتغال آیا راهی جز رونق کسب‌وکار می‌شناسیم؟

و برای رونق کسب‌وکار، آیا چیزی ضروری‌تر از «تأمین سرمایه»

وجود دارد؟ آیا ایران بدون تعامل با جهان و بدون جذب سرمایه

و تکنولوژی شرکت‌های بین‌المللی می‌تواند راه رشد اقتصادی

و توسعه صنعتی را طی کند؟ کشوری مانند کره‌جنوبی که ۴۰

سال پیش، اقتصاد آن در اندازه اقتصاد استان خراسان بوده، با

اتخاذ استراتژی‌های درست و کسب اعتماد بین‌المللی، در این

مدت چنان رشد کرده که امروز درآمد یکی از شرکت‌های کره،

معادل درآمد ایران از نفت است. آمار فقر در ایران حیرت‌آور

است؛ چرا مردم ایران با این همه ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی

کشور باید فقیر باشند؟ یکی از مدیران یک شرکت ژاپنی می‌گفت

اگر شما فقط منطقه ویژه اقتصادی عسویه را به ما بسپارید، ما

تعهد می‌کنیم در کشورتان هیچ فقری نداشته باشید. خارجیان

دیگری که از این منطقه بازدید کرده‌اند نیز بر این باورند که همین

بخش از کشور ایران برای ثروتمندکردن ایرانیان کافی است.

ظرفیت‌هایی از این دست در ایران کم نیست.



ترانزیت و تورسیم ازجمله ثروت‌های بالقوه خدادادی دیگر

این سرزمین است. سال‌ها پیش زمانی که به اردن رفته بودم،

دوستی فلسطینی‌تبار در آنجا به من گفت: شما چرا در ایران

هتل ندارید؟ او که چند بار به ایران آمده بود، گفت: از هتل‌های

پنج‌ستاره تهران هم راضی نبود و اشاره می‌کرد به هتل‌های اردن

و پرسید شما چرا در ایران از این هتل‌ها ندارید؟

در شهر عمان و منطقه باستانی «پوترا» که از آنجا دیدن

کردم، بسیاری از هتل‌های زنجیره‌ای معروف دنیا شعبه داشتند

و با استانداردهای بین‌المللی به مسافران خدمات می‌دادند.

نی دانستم که پاسخی به دوست فلسطینی خود بدهم؟ خیلی

بر من گران آمد که او ایران را با اردن که از منابع استراتژیک

و موقعیت‌های درآمدزایی ایران بی‌برهه است، مقایسه می‌کرد.

به‌هرحال در شرایطی درآمد سرانه مردم ایران نسبت به ۴۰ سال

گذشته کاهش یافته که بسیاری از همسایگان ایران در این مدت

از رشد اقتصادی بالایی برخوردار بوده‌اند. مردم از رئیس‌جمهور

دولت دوازدهم می‌پرسند چرا ما نمی‌توانیم هتل‌هایی مانند

کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس داشته باشیم؟ چرا نمی‌توانیم

فرودگاه‌هایی مانند کشورهای یادشده داشته باشیم؟ آیا ایران

می‌تواند مشابه کشورهای ترکیه و مالزی از ظرفیت‌های خود

برای جذب گردشگر استفاده کند و به این ترتیب هزاران فرصت

شغلی با سرمایه بخش خصوصی داخلی و خارجی در کشور به

وجود آید؟ آیا تصمیم‌گیری دراین‌باره از اختیارات دولتی است؟

آقای رئیس‌جمهور برای اینکه بتوانیم شتابانی مانند سایر

کشورهای جهان بسازیم، باید چه تغییری در تفکر و نگرش ما

ایجاد شود؟ باید چه تحولی در رویکرد ما به جهانیان رخ دهد؟ و

چه تغییری در رفتار ما لازم است؟ در این میان نقش دولت شما

برای تغییر این رویکرد چیست؟

آقای رئیس‌جمهور اگر بخواهید راه سرمایه‌گذاری خارجی را

در ایران باز کنید، چه اقدامی دارید؟ آیا از اختیارات لازم برای

رفع مشکل بی‌کاری برخوردار هستید؟ خوب است در آستانه

انتخابات ریاست‌جمهوری، این موضوع از سوی دکتر روحانی

و سایر نامزدهای محترم با شفافیت بیشتری واکاوی شود. شاید

وقت آن رسیده باشد که موانع ساختاری رشد اقتصادی کشور را

مطرح کنیم و به تغییر پارادایم‌ها فکر کنیم تا بلکه راهبردی برای

خروج از عقب‌ماندگی بیابیم.